

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۲۲ جون ۲۰۲۲

"ما از دعوا گذشتیم، تو از شاهی نمی گذری!؟"

سه شنبه - ۳۱ جوزای ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز بحث مختصری داریم در قسمت سیاست های تجاوزکارانه و مداخله جویانه امپریالیسم امریکا در امور سایر کشور ها و انطباق آن با ضرب المثلی که در بالا آورده شده است. قبل از پرداختن به موضوع بحث باید بیفزایم که این ضرب المثل با عین محتوا با عبارات دیگری نیز بیان شده است، امیدوارم آنهایی که در زمینه تحقیقات مستقل دارند، از این که من عبارت کنونی را انتخاب کرده ام، ناراحت نشده باشند. ۱- از طریق پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" در جریان مبارزات انتخاباتی "کلمبیا" که حد اقل از لحاظ کشت و تجارت مواد مخدر و تلاشهای "سیا" جهت اداره و کنترل این تجارت به نفع خودش؛ با افغانستان شباهت های زیادی دارد، قرار گرفتیم. این که به گفته نویسنده مطلب "چپگرایان" در آنجا برای نخستین بار به پیروزی رسیده اند و این که کدام معضلاتی از همین اکنون سر راه آنها قرار دارد، عجالتاً بحثی ندارم زیرا به واقعیت امر نمی دانم که آنهایی که بر مبنای فعالیت های زمان جوانی، برچسب چپ خورده اند، واقعاً چپ مانده اند و یا به مانند چپ نماهای وطنی از قماش "اسپنتا" و یا چپ نماهای اروپائی به خصوص المانها، به جای چپ، آنقدر "خم" شده اند که دیگر کاملاً "کج" مانده اند و چنان تغییر ماهیت داده اند که می باید صد رحمت به ارواح راست و راست افراطی فرستاد.

۲- آنها چه "چپ" مانده باشند و چه هم "کج" شده باشند، در یک واقعیت هیچ نوع تغییری به وجود نمی آورد واقعیتی که بیش از ۱۱ میلیون نفر از باشندگان کلمبیا به کاندید چپ "گوستاو پترو" اعتماد نموده با دادن رأی به وی عملاً سرنوشت خودشان و کشور شان را به دستان وی سپرده اند. بر همین مبنا نه تنها شخص رقیب انتخاباتی وی "رودولفو هرناندز" شکست خودش را پذیرفته، پیروزی رقیبش را تبریک گفت و نه تنها رئیس جمهور فعلی کلمبیا "ایوان دوکه" که با تمام قدرت به صورت علنی به حمایت از "هرناندز" تلاش نمود، بر نتیجه انتخابات صحنه گذاشت و در کنار آن اکثریت رؤسای جمهور در کشورهای امریکای لاتین پیروزی "پترو" را تبریک گفتند و آن را یک دستاورد بزرگ برای خلقهای امریکای لاتین و یک شکست مفتضحانه دیگر برای سیاست های امپریالیسم امریکا اعلام داشتند.

۳- آنچه در این میان مصداق و معنای واقعی ضرب المثلی را که عنوان قرار داده ایم تداعی می نماید، موضعگیری توأم با عصبانیت یک تن اتر سناتوران امپریالیسم امریکا در قبال این پیروزی می باشد. چنانچه:

ماریا الویرا سالازار، نماینده جمهوریخواه کنگره ایالات متحده، اما با خشم و نفرت بیشتری به پیروزی پترو واکنش نشان داد:

او در توئیتر خود نوشت: «من از نتایج در کلمبیا بسیار ناامید هستم. پترو یک نزد، یک تروریست و یک مارکسیست، یک شکل دیگر کاسترو و چاوز است. ما در کنگره بر اقدامات او برای تضمین حقوق و آزادی های کلمبیایی ها نظارت خواهیم کرد. خدا برادران کلمبیایی من را حفظ کند!» .

هموطنان گرامی!

موضعگیری این سناتور امریکائی کاملاً واضح نشان می دهد که برای آنها نه بیش از ۱۱ میلیون رأی دهنده ارزش دارد و نه هم بازی دموکراتیکی از سنخ انتخابات و رأی دهی. آنچه برای آنها مهم است و از اهمیت بسزائی برخوردار است این است که یک فرد حافظ منافع امپریالیسم امریکا باشد و مانند کاسترو چاوز در تقابل با آن منافع قرار نگیرد، در غیر آن چنان فردی با هر اندازه اعتباری که از جانب مردم خودش انتخاب شده باشد از دیدگاه امپریالیستهای امریکائی دزد اند زیرا مارکسیست اند و یا زمانی مارکسیست بوده اند.

این سخنان از جانب دیگر نشان می دهد که امپریالیسم امریکا از همین اکنون به بهانه مراقبت از حقوق بشر مردم کلمبیا، آمادگی می گیرد تا در امور داخلی کلمبیا مداخله نماید. هرگاه رسانه ها فردای انتقال قدرت به "پترو" سروصدا راه انداختند که در کلمبیا حقوق بشر پایمال می شود، به خاطر داشته باشیم که این چماق را از همین حالا در دست گرفته اند و نیازی به اثبات ادعای خود ندارند.

هموطنان گرامی!

مطالعه چنین طرز تفکرات و قضاوت هائی برای همه به خصوص برای آنهایی مفید است که نه تنها دیروز به ساز امپریالیسم امریکا و شرکاء می رقصیدند و امیدوار بودند تا افغانستان را برای شان "دوبی" بسازند، بلکه هنوز هم چشم به راه اند تا "بابین" و یا کدام جنایتکار دیگری از آنجا برخاسته، سوار بر "ب ۵۲" و با استفاده گسترده از تمام وسایل و ابزار و یرانگر جنگی، افغانستان را از چنگال گرگان طالب نجات دهد.

آنهایی که به عوض اتکاء به نیروی خود و تلاش جهت ایجاد تأمین وحدت بین نیروهای انقلابی و آنها را با توده های میلیونی کشور پیوند دادند، همه روزه در عقب درب یکی از سفارتخانه های کشورهای امپریالیستی شرق و غرب حاضری داده، منتظر اند تا آنها برای شان نقش "مهدی موعود" و یا "خضر" افسانه ئی را بازی نموده، حاکمیت را به آنها بسپارد.

انها نمی خواهند بفهمند که طرف یعنی امپریالیسم امریکا از قبل تصامیمش را کاملاً آگاهانه گرفته است و قبل از هر گونه داد و ستدی به گفته شاملو "دهان را می بویند" که آیا کدام زمانی نام مارکس را بدون دشنام ذکر نموده است و یا خیر؟ در نهایت فقط به کسانی اعتماد می نمایند که دشمن خلق خودش باشد. یعنی طالب، جهادی و تکنوکرات جاسوس باشد. کاری که تا حال انجام داده و من نیز انجام خواهند داد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!